



روزنه‌ای به درونه حیات فرهنگی صدرالمتهین

جویا جهانبخش

خطی کتابخانه علامه طباطبائی شیراز، به نسخه نفیس و منحصر به فردی برخورد نمودم. این نسخه که مجموعه‌ای از رساله‌ها و مطالب گوناگون است، شامل فهرست کتابخانه شخصی ملاصدرا به خط مبارکش می‌باشد. وقتی این فهرست را دیدم، با دقت و وسواس بیشتری نسخه را بررسی کرده و متوجه شدم که صفحاتی از نسخه، بخصوص صفحات اولیه آن، حاوی یادداشتهای ملاصدرا است.» (ص ۷)

ایشان به تنظیم و تحقیق این یادداشتهای و فهرست مبادرت نموده، متن را با ضمیمی، از جمله چاپ عکسی یادداشتهای و فهرست به خط شریف صدرا، منتشر ساخته‌اند.

بیشترین یادداشتهای صدرا در این مجموعه برگرفته از کتب و مآخذ است و گویا مطالبی است که به جهتی نظر او را جلب کرده و حکیم لازم دانسته تا آنها را برای خود بیرون نویسد. اندکی هم اقوال خود اوست.

کتابهایی که صدرا از آنها به تصریح نام، نقل قول می‌کند اینهاست: تحریر الأحکام علامه حلی (ص ۲۴)، تفسیر کشاف زمخشری (ص ۲۵، ۴۰، ۴۲ و ۴۷)، عدّه الداعی (ص ۲۶)، سر العالمین (ص ۲۷)، صحاح و قاموس و معنی اللیب (ص ۳۱)، تفسیر نیسابوری (ص ۴۰)، الکافی (ص ۴۴)، احیاء علوم الدین غزالی (ص ۴۶)، العروة‌علاء الدولة سمنانی (ص ۴۹)، الشفاء (ص ۵۰)، الفقیه (= کتاب من لا یحضره الفقیه) (ص ۵۱)، جواهر القرآن (ص ۵۱)، مشکوة الانوار غزالی (ص ۵۷).

کتابگزاران باختری معمولاً با نشر یادداشتهای شخصی مشاهیر، انس و الفتی دارند و در باختر زمین معمول است که ورّیقات پراکنده و یادداشتهای و دفاتر شخصی و نامه‌های نام آوران را بیابند و به شکلی منقّح و دلپسند به طبع برسانند؛ و گذشته از آن، یافتن و نگاهداری و تبادل اینگونه نوشته‌ها برای مجموعه داران و اهل فرهنگ، سرگرمی، پیشه و حتی مایه سوداگری است؛ چه بسیار می‌شنویم که دستنوشته‌های فلان نویسنده فرانسوی یا دفتر یادداشتهای روزانه یک سیاستمدار انگلیسی یا محقق آمریکایی در حراجهای بزرگ به نرخهای چنین و چنان به فروش رفته و راهی یک مجموعه خصوصی یا بنیاد پژوهشی یا کتابخانه ملی گردیده است.

متأسفانه بها دادن به این یادگارهای فرهنگی بظاهر جزئی در کشور ما هنوز همه گیر نشده، و اگر چه ارباب اطلاع در حفظ و نشر این مآثر و آثار اهتمامها کرده‌اند، غفلت برخی از مردم باعث شده، نمونه‌های زیادی از آثار اینچینی در گوشه فراموشی و کنج انزوا بمانند و گاه نابود شوند.

مایه خوشنودی است که اخیراً مجموعه نفیس در برگیرنده یادداشتهایی از ملاصدرا به همراه فهرست کتابخانه شخصی او که به قلم مبارک خودش تحریر یافته، در شیراز به دست آمده و به طرز مقبول به زیور طبع آراسته گشته است. طابع و محقق این مجموعه عزیز، آقای محمد برکت، شرح یافت و شناخت دستنوشته را این گونه رقم زده‌اند: «... هنگام فهرست نویسی آخرین نسخه‌های



دستخط صدرالمتهین ملاصدرا

برخی یادداشتهای مهم و در خور نگرش این مجموعه، از این قرارند:

۱. ص ۲۳: [اختیارات الایام] که در بردارنده ابیاتی منسوب به امیرمؤمنان - علیه السلام - است در بیان این که در هر روز هفته چه کاری بهتر است.
۲. ص ۲۴: گفتاوردی از تحریر الأحکام علامه حلی (ره) درباره سودمندی مراجعه به علما و همنشینی ایشان و فائدت محادثه و تذاکر و....
۳. ص ۲۷: گفتاوردی درباره امامت و برخورد برخی صحابه با حدیث غدیر و خلافت.
۴. ص ۳۳: تعریف «فلسفه» از نظر خود ملاصدرا، بدین عبارت: «أقول: الفلسفة نظم العالم نظماً عقلياً علی ما هو علیه بقدر الطاقاة الإنسانية».
۵. ص ۳۳: دو خطبه نکاح.
۶. ص ۳۹: دعایی برای رفع شدت و تحصیل فرج به نقل از کشف الغمّة.
۷. ص ۴۰: گفتاوردی از تفسیر نیسابوری درباره واژه «ذریه».
۸. ص ۴۱: گفتاوردی از تفسیر کشاف درباره واژه «شعب».
۹. ص ۴۳: بررسی یک قول کلامی - تفسیری هشام بن حکم و پیروانش، و ارجاع به کتاب المبدأ والمعاد خود صدرا.
۱۰. ص ۴۴: درباره فاء عطف.
۱۱. ص ۴۵: گفتاوردهایی از کشاف و إحياء العلوم درباره تفقه و فقاقت و فقیه.
۱۲. ص ۴۸: شمه‌ای از مقدمات دعا.
۱۳. ص ۴۹: گفتاوردهایی از علاء الدولة سمنانی و غزالی و ابن سینا درباره اختران و اخترشناس و اخترشناسی و همچنین روایتی به نقل از شیخ صدوق (ره).
۱۴. ص ۵۷: گفتاوردی از غزالی درباره یونانیان، معرفت جویی ایشان و...
۱۵. ص ۵۸: اشعاری از محتشم و جامی و جوهری زرگر و فخر رازی و عرفی و غضنفر و شیخ علی نقی و...
ضمن مطالعه این یادداشتهای صدرا مطالبی به خاطر رسید که همین جا مرقوم می شود:

۱. عناوینی که محقق محترم برای برخی یادداشتهای برگزیده اند، مناسبت کامل با محتوای یادداشت ندارد و در بردارنده کل آن نمی باشد، مانند: أخذ العلم من العلماء، الجوع، فضل القرآن.

۲. ملاصدرا «سر العالمین» را از نوشته های حجة الإسلام غزالی می شمارد (ص ۲۷).

شاگرد بلند مرتبه صدرا، علامه فیض کاشانی - قدس سره - هم این اثر را از غزالی می شمرد و معتقد است که غزالی در اواخر عمرش شرف تشیع و استبصار یافته، چنان که می گوید:

«رزقه الله هذه السعادة في أواخر عمره كما أظهر في كتابه المسمى بسر العالمين و شهد به ابن الجوزي الحنبلي» (المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱). این ابن جوزی هم گویا همان سبط ابن الجوزی مشهور است که سر العالمین را از غزالی شمرده (نگر: همان جا، حاشیه) و چنین است تاج العروس و الاتحاف فی شرح الاحیاء (نگر:

الذریعه، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

معاصران نسبت سر العالمین را به غزالی انکار کرده اند، و به هر روی، جای تأملی دیگر هست.

۳. خطبه النکاح مندرج در ص ۳۳ (به بعد) «من املاء الشيخ علی بن عبد العالی - رحمه الله - دانسته شده است. این شیخ علی بن عبد العالی احتمالاً علی بن عبد العالی عاملی پدر «محقق کرکی» = ابو محمد عبد العال بن علی بن عبد العالی عاملی کرکی) باشد که محقق از او روایت کرده است.

۴. شیخ رضی مذکور در ص ۴۴، احتمالاً همان رضی ادیب صاحب شرح شافی و کافی است.

۵. در ص ۴۹ سخنی از «العروة لأهل الخلوّة و الجلوّة» علاء الدولة سمنانی آورده شده و محقق در حاشیه به نقل از کشف الظنون این متن را فارسی معرفی کرده. باید افزود: العروة علاوه بر تحریر فارسی، تحریر تازی هم دارد و این هر دو به تحقیق استاد نجیب مایل هروی (چاپ مولی، تهران) منتشر گردیده است.

۶. دو بیت آخری که در ادامه ابیات بر خواننده فخر رازی در ص ۵۹ چاپ شده، به گواهی وزن و قافیه، و همچنین چنان که از کتابت آن در نسخه خطی پیداست (نگر: ص ۱۱۶)، ادامه منقول از فخر

مجموعه رسال فلسفی صدر المتینین

موسسه پژوهش‌های فلسفی و کلامی

تجارت پست

ماده: سبب سمنانی

انتشارات

نیست و اشتباهاً در پی سروده منقول از
فخر آمده.

۷) رباعی‌ای در ص ۶۱ از شاعری به
نام «خلی بیک» آمده. نام شاعر را ظاهراً
محقق غلط خوانده و در نسخه اگر چه
بی نقطه است، دندان‌های هست که صورت
«چلبی بیک» را به خاطر متبادر می‌سازد.
فهرست کتابخانه شخصی ملاصدرا از
روی خط خودش در ادامه یادداشتها درج
شده است و چنین عنوان دارد: «تفصیل
کتب الفقیر الحقیق محمد المشتهر
بالصدر الشیرازی، جعله الله من الواصلین
إلی المقصود» (ص ۶۵).

کتابخانه صدرا شامل کتب قرآنی و
تفسیری، فقهی، ادبی، کلامی، فلسفی،
عرفانی، حدیثی، هیئت و... است.
محقق ارجمند در مقدمه (ص ۱۰)

حدس زده و گفته که: «ظاهراً مرحوم ملاصدرا، فهرست کتابخانه
شخصی خود را کامل نکرده است؛ زیرا هیچ گونه علامت، نشانی یا
عبارتی که دلالت بر تمام شدن فهرست بکند، وجود ندارد.»
گمان می‌کنم حدس ایشان درست باشد خاصه آن که کتابهایی
مانند حدیثنامه شریف کافی - که ملاصدرا خود شرحی بر آن دارد
(تحقیق محمد خواجوی، چ تهران) و یا برخی متون شعری فارسی
که بیقین صدرا با آنها الفت بسیار داشته، در این فهرست نیستند، و
بعید بوده صدرا هیچیک از این کتب را نداشته باشد.

می‌سزد هم اکنون - که جهان اسلام و به ویژه ایران - در تمیید
برگزاری بزرگداشت صدرا المتألهین است، کتابی درباره کتابخانه و
کتب مألوف و مورد مراجعه صدرا، مانند کتابی که اتان کلبرگ
(ETAN KOHLBERG) به نام «ابن طاووس و کتابخانه‌اش»
(IBNTĀWŪS AND HIS LIBRARY) در ۱۹۹۲ م. منتشر کرد (و
ترجمه آن به نام «کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او» به قلم سید
علی قرائی و رسول جعفریان به سال ۱۳۷۱ ه.ش در قم نشر یافت)
و بر همان سیاق استاد جعفریان مقاله‌ای درباره کتابخانه فاضل

کتابخانه علمی امام مصراع (شیراز)

یادداشت‌های ملاصدرا

برآمد

فهرست کتابخانه شخصی ملاصدرا

تنظیم و تنظیم
محمد برکت

یادداشت‌های ملاصدرا
تنظیم و تحقیق: محمد برکت
انتشارات بیدار
۱۳۷۷ ه.ش

هندی (ره) در مجله آینده پژوهش ارائه
نمود، تدوین شود.

بنده خود در تأمل در رساله سه اصل
صدرا (تصحیح دکتر سید حسین نصر، و
نیز تصحیح محمد خواجوی، هر دو چاپ
تهران) سعی در بازشناسی مآخذ شعری
مورد عنایت این حکیم گرامی نموده - که
شاید روزی چونان قلم‌اندازی از چاپ
برآید -^۱ و گمان می‌دارد با تفحص در دیگر
نگاشته‌های صدرا بتوان کتابهای مورد
مراجعه او را بیشتر و بهتر شناخت.

صدرا المتألهین در این فهرست
خودنوشت کتابخانه‌اش از استاد خود،
میرداماد، نویسنده الاُفق المبین و الصراط
المستقیم و التقدیسات و الإیاضات، با
عنوان «سیدنا و استادنا» و عبارات دعایی
«عظم الله مجده» و «دام افضاله» و «أدام الله

علوه» یاد کرده (نگر: ص ۶۸) و از شیخ بهائی با دعای «دام ظلّه»
(نگر: ص ۶۹). از آن «دام افضاله» و این «دام ظلّه» معلوم می‌شود
در زمان تحریر این فهرست شیخ بهائی (در گذشته به ۱۰۳۱ ه.ق.)
و میرداماد (در گذشته به ۱۰۴۱ - ۱۰۴۰ ه.ق.) هر دو زنده
بوده‌اند. از این رو، فهرست حاضر از ۱۰۳۱ ه.ق. جدیدتر نمی‌تواند
بود.

نشر این یادداشتها و فهرست، بدین شکل، بسیار خجسته و مایه
اخذ حظ فراوان است و باید از طابع و ناشر آن سپاسگزار بود.
مدتها پیش از دوست صدرا شناسم، آقای حامد ناجی اصفهانی،
شنیده‌ام که مجموعه‌ای خطی از یادداشت‌های شخصی صدرا در
تهران موجود است و گویا کنگره صدرا المتألهین قصد چاپ و نشر
آن را دارد؛ گفت: «نیت خیر مگردان که مبارک فالی است.»

پی‌نوشت:

۱. مقدم بر این کمترین در این کار، دوستم آقای ابراهیم سپاهانی است که مع
الأسف کار را به پایان نبرده و همو بود که مرا بدین راه نمود.

